

نقطه نظر / نقد نظر

مقصد گردشگری و پاتوق اجتماعی یا ویتترین نمایش قدرت و ایدئولوژی؟

ارزیابی طرح بازسازی میدان ولیعصر (عج) در شهر تهران

حمیده ابرقویی فرد*

دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱

چکیده فضاهای عمومی بنابر نقش اجتماعی و مدنی خود، به‌عنوان مقاصد فراغت و گردشگری در شهرها مطرح‌اند. در سالیان اخیر بسیاری از این فضاها در شهر تهران، در نتیجه ملاحظات اقتصادی، سیاسی و مدیریتی به فضاهایی منفعل و غیراجتماعی تبدیل شده‌اند. در نمونه‌هایی چون میدان ولیعصر، اگرچه نهادهایی چون دولت و مدیریت شهری هدف از ساخت فضا را غنا بخشیدن به حیات اجتماعی و گردشگری معرفی می‌کنند اما در واقعیت رکود زندگی اجتماعی در فضاهای مذکور سؤال برانگیز است. این‌گونه به نظر می‌رسد سوبیه‌های سیاسی یک‌جانبه به فضا به‌عنوان بستر تجلی قدرت، اغلب به حذف و یا کم شدن سهم بهره‌گروهایی از ذی‌نفعان از فضای عمومی منجر شده است. نابرابری اجتماعی در بهره‌وری از فضا در نتیجه رویکردی یک‌جانبه، زیر سؤال رفتن معنای فضای عمومی به‌عنوان یک فضای متعلق به عموم را به همراه دارد. از جمله دلایل عدم موفقیت فضاهای عمومی حکومتی چون میدان ولیعصر (عج)، نبود فرایندهایی فراگیر و همه‌شمول برای ایجاد مکانی مشترک با ماهیت ازپیش تعیین نشده و قابل دسترسی برای گروه‌های مختلف جامعه است. درپیش گرفتن رویکرد اجتماعی و گردشگری به فضاهای عمومی بایستی به دور از رویکردهای بخشی‌نگر و تک‌ساحتی و استفاده از فضا به‌مثابه ابژه و ابزاری برای تسلط و نمایش قدرت بوده و با اتخاذ رویکردی کل‌نگر نسبت به فضا به‌عنوان دارایی مشترک نهادهای قدرت و اعضا عموم و جامعه، امکان شکل‌گیری شهروندی و زندگی اجتماعی فراهم شود.

واژگان کلیدی فضای عمومی، مدیریت شهری، نهاد قدرت، پلازای شهری.

که رابطه میان قدرت اقتصادی و بازنمایی‌های فرهنگی را بازنمایی می‌کند (Zukin, 1993, 268). فضای عمومی گونه‌ای از فضاهای شهری است که همه اعضای جامعه و عموم به آن دسترسی داشته و اغلب توسط دولت اداره می‌شود. فضای عمومی از ظرفیت بیانگری فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برخوردار است. یک مکان زمانی عمومی است که در عین کنترل شدن توسط مقامات دولتی، به مردم به‌عنوان یک کل توجه داشته و میان همه اعضای یک جامعه به اشتراک گذاشته شود. در نگاهی عمیق‌تر فضای عمومی، ساختاری

مقدمه و بیان مسئله | چه ارزیابی از ظهور نشانه‌های شهری غیرفارسی در منظر شهچرا فضاهای وابسته به حاکمیت، از عملکرد مناسبی به‌عنوان فضای عمومی و مقاصد گردشگری در سطح شهر برخوردار نیستند؟

فضا یکی فراگیرترین مفاهیم در بررسی ابعاد محیطی زندگی انسان است؛ چرا که از ابتدای حیات خود در فضا قرار گرفته و عمل می‌کنیم. فضا یک رسانه ساختاری اصلی و جایگاه شکل‌گیری تغییرات کلیدی اقتصاد سیاسی قرن بیستم است

* نویسنده مسئول: hamide.abarghouyi@gmail.com، ۰۹۱۲۶۹۹۸۲۲۳

پیشین میدان ولیعهد- است و عملاً در فضای مرکزی میدان زندگی و تعاملات اجتماعی خاصی جریان نداشته است. پروژه بازسازی میدان ولیعصر (عج) در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۵ آخرین عملیات عمرانی خود را سپری کرد و در ۷ طبقه و با ۴۵ هزار متر ساختمان قابل بهره‌برداری در اسفند ماه افتتاح شد. طرح توسعه این میدان با عنوان «ایوان انتظار» شامل فضای شهری برنامه‌ریزی و ساخته شده توسط شهرداری است که زیر سطح زمین در میدان ولیعصر (عج) جهت تسهیل عبور و مرور، استفاده از محیط شهری و خطوط مترو ساخته شده و از سوی شهرداری تهران با بیاناتی چون «اولین پلازای شهر تهران»، «پاتوق اجتماعی» و «محل توقف شهروندان» به شهروندان معرفی شده است. بر خلاف تأکید برخی از مسئولین بر ساخت پلازا به منظور ایجاد فضای فراغت و گردشگری در متن سفرهای درون‌شهری، استفاده روزمره شهروندان از این فضا، به زیرگذری برای رسیدن به ایستگاه مترو محدود شده است. به‌گونه‌ای که تنها در مواردی محدود با سازمان‌دهی برنامه‌های جمعی خاص از سوی مدیریت شهری و نهادهای سیاسی، شاهد گردهمایی جمعیت بالایی در این پلازا هستیم. این در حالی است که رویدادهای مذکور اغلب رنگ و بوی سیاسی داشته و پذیرای گروه محدودی از جامعه متکثر و چندگانه شهروندان تهرانی است (تصویر ۱).

عدم توجه به تأثیر جانمایی مناسب در شکل‌گیری فضای عمومی موفق، در سرمایه‌گذاری مدیریت شهری بر میدان ولیعصر (عج) با عملکرد فلکته شهری و گره ترافیکی به چشم می‌خورد. در ادامه نقاط ضعف اولیه‌ای چون محو شدن نماد خاطره‌انگیز میدان و جایگزینی سازه‌ای زیرزمینی با محدود ساختن دسترسی بصری و عدم سهولت دسترسی فیزیکی در پلازای میدان ولیعصر تهران وجود دارد که مدیریت و طراحی کالبدی به شدت برنامه‌ریزی شده و دقیق نیز قادر به بهبود عملکرد اجتماعی فضای آن نیست. در عین حال نپرداختن به جزئیاتی چون وجود فضای مناسب نشستن، آسایش حرارتی، مقیاس انسانی و ساختار چندعملکردی، به ناکارآمدی فضا در شکل‌دهی به حیات اجتماعی و تأمین فراغت دامن زده است. به‌گونه‌ای که اندکی پس از افتتاح طرح انتقادات مختلفی از سوی صاحب‌نظران حوزه شهر، به عملکرد فضا و به‌ویژه عدم هماهنگی میان نتایج طرح ساماندهی با نام پلازا به‌عنوان هدف‌گذاری اولیه وارد شده است. در نگاهی فراگیرتر رویکرد سیاسی به فضا، در نمونه میدان ولیعصر (عج) و دیگر نمونه‌های مشابه آن مسئله‌ساز شده است؛ فضاهای عمومی که بدون توجه به خواسته‌ها و نیازهای شهر و جامعه در زمینه فراغت و گردشگری انتخاب شده و به‌عنوان بستری برای نمایش قدرت و کسب اعتبار حاکمیت مورد بهره‌برداری

اجتماعی-مکانی و دارای ماهیتی متلون و چندگانه است. زیرا تحت تأثیر نیروهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شکل گرفته و با عاملیت مدیران شهری، شهروندان و طراحان موجودیت می‌یابد (ابرقویی‌فرد، منصوری و مطلبی، ۱۴۰۱). در نتیجه این امر چگونگی فضاهای عمومی تحت تأثیر زورآزمایی و مناقشه نهادهای مختلف از جمله جامعه و دولت درباره فضا قرار دارد. امروزه فضاهای عمومی نقاط استراتژیکی در شهرها به شمار آمده و فراتر از نقش اجتماعی و سیاسی خود، جایگاه مهمی به‌عنوان مقاصد گردشگری در سطح شهرها دارند. این در حالی است که در برخی نمونه‌ها اگرچه نهادهایی چون دولت و مدیریت شهری هدف از ساخت فضا را غنا بخشیدن به حیات اجتماعی و گردشگری معرفی می‌کنند، اما در واقعیت رکود زندگی اجتماعی در فضاهای عمومی مذکور سؤال برانگیز است.

بدنه نقد

شهرها به‌عنوان توپولوژی نهادها، نیروها و جریان‌های متعدد و متقاطع مطرح‌اند که برآیند و نیروی ترکیبی آنها توسعه شهر را شکل می‌دهد (Amin & Thrift, 2002; McFarlane, 2011; Farias, 2011). بر این اساس هر یک از نیروها و عوامل مؤثر بر فضای عمومی به منظور دستیابی به اهداف مختلف اجتماعی، مدنی، فراغتی و اقتصادی خود از فضا به‌مثابه منبعی قابل استفاده بهره می‌جویند. چنانچه دولت‌ها اغلب از فضا برای کنترل جوامع و ایجاد نظم اجتماعی مطلوب خود استفاده می‌کنند. «دولت‌پذیری فضایی» به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از این راهبردها معمولاً به‌عنوان یک فن‌آوری اخیر حکمرانی فضا در شهر به تصویر کشیده می‌شود (Merry, 2001, 17, Foucault, 2007, 108). قدرت برای آن که از نظر اجتماعی سخن بگوید؛ باید از طریق فضا پا به میان بگذارد. ساخت اجتماعی فضا و مکان متشکل از فرایندی چندگانه و همواره در حال تغییر از قرارداد خود و دیگران در ماتریس روابط قدرت است؛ نه تثبیت فضایی هویت‌هایی که صرفاً براساس سلطه شکل می‌گیرند (Myers, 1996, 237). در دیدگاهی که فضای عمومی، فضای قدرت و سلطه محسوب می‌شود؛ نهادهای مهم جامعه مدرن، به ویژه نهادهای مالکیت خصوصی و دولت مدرن، بی‌وقفه حقوق همه مردم برای دسترسی به فضای عمومی را نقض می‌کنند (Orum & Neal, 2009, 210). بر این اساس استفاده دولت از فضاهای عمومی به‌عنوان چارچوب قدرت و عامل ایجاد نظم اجتماعی مطلوب در بسیاری شهرها از جمله کلانشهر تهران رواج دارد. پیشینه میدان ولیعصر نشانگر عملکرد آن به‌عنوان یک شریان حرکتی با نام‌گذاری حکومتی - نام



تصویر ۱. راست: برگزاری جشن انتخاب کاندیدای منتخب ریاست جمهوری در پلازای انتظار به‌عنوان یک رویداد سیاسی طرح‌ریزی‌شده؛ چپ: پلازا در یک روز عادی. مأخذ: www.isna.ir

شده است. این فضاها به جای آن که به عموم مردم خدمت کنند تنها در زمان‌های معین و به شکل برنامه‌ریزی شده توسط افراد مشخص مورد استفاده قرار می‌گیرند و از این رو مجرای برای ابراز و نمایش مفاهیم ایدئولوژیک هستند. محور قرار گرفتن نهادهای قدرت، استفاده از فضا به‌مثابه ابژه و ابزاری برای تسلط و نمایش قدرت، استفاده ایدئولوژیک از فضا و زیر سؤال رفتن معنای فضای عمومی به‌عنوان بستر شکل‌گیری زندگی اجتماعی و مدنی در شهر را در پی دارد.

نتیجه‌گیری

یک فضای عمومی موفق برای شکل‌گیری و پا به میان گذاشتن، به اثرگذاری سازنده شهروندان نیاز دارد. در پرداختن به ویژگی‌های عملکردی ضروری برای شکل‌گیری یک فضای عمومی موفق و مطرح به‌عنوان مقصد گردشگری شهری، توجه کافی به نقش و عملکرد آن برای کاربران و شناخت کامل نسبت به ویژگی‌ها، خواسته‌ها و نیازهای مخاطبان ضروری است. اگرچه فضاهای عمومی مکان نمایش و بزرگداشت روایات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یادآور قدرت یک گروه هستند اما حذف و یا کم شدن سهم و بهره هر یک از ذی‌نفعان، تمایز واضحی در چگونگی فضای عمومی ایجاد می‌کند. بر این اساس شکل‌گیری فضای عمومی کارآمد و مطرح در سطح شهر نیازمند فاصله‌گرفتن از سوبه‌های سیاسی یک‌جانبه به فضا به‌عنوان بستر تجلی قدرت است. نابرابری اجتماعی در بهره‌وری از فضا بر مبنای سوبه‌های فکری تأییدشده، انحصارپذیری فضایی و زیر سؤال رفتن معنای فضای عمومی به‌عنوان یک فضای متعلق به عموم را به همراه دارد و در نمونه پلازای ایوان انتظار، ادعاهایی چون «پاتوق اجتماعی» و «اولین پلازای شهری تهران» را زیر سؤال می‌برد. زیرا فضای عمومی مذکور تنها ویتترین نمایش قدرت و ایدئولوژی حاکمیت بوده و محقق شدن ادعاهای بیان شده

قرار می‌گیرند. این مسئله محدود به کلانشهرهایی چون تهران نیست چرا که «کنترل سازمان فضایی و اقتدار بر استفاده از آن، از ابزارهای اصلی بازتولید روابط قدرت اجتماعی است» (Harvey, 1991, 158). بهره‌برداری نهادهای قدرت از فضا در سطح شهر تهران از درجات مختلفی برخوردار است. این مسئله در طرح ساماندهی میدان ولیعصر (عج) در لایه‌های پنهان‌تر با سوبه نظری ایدئولوژیک به فضا در قالب نام‌گذاری خاص آن دیده شده و با برگزاری رویدادهای برنامه‌ریزی‌شده از سوی دولت تکمیل می‌شود. مجموعه این مسائل مانع از اتلاق نام فضای عمومی با دسترسی آزاد و همگانی و بدون محدودیت‌های مدنی برای تمام اقشار شده است. به گونه‌ای که علی‌رغم تمهیدات اندیشیده شده - هرچند سطحی و محدود به کالبد محیط - تنها در مواقع و شرایطی خاص شاهد شکل‌گیری روابط اجتماعی در فضای پلازا هستیم. ارزیابی نمونه‌هایی نظیر پلازای ایوان انتظار نشان می‌دهد کلانشهرهایی چون تهران فراتر از یک پدیده ثابت و قابل برنامه‌ریزی با قوانین مشخص، به محل گفتگوهای متناقض فرهنگی، زیبایی‌شناختی، سیاسی و اقتصادی مطرح هستند. این مسئله در تقابل اهداف اجتماعی و گردشگری تعریف شده برای فضاهای عمومی و فاصله‌گرفتن واقعیت روزمره این فضاها از تعریف فضای عمومی به‌عنوان بستری برای شکل‌گیری و اعتلای زندگی اجتماعی، نمودی پررنگ‌تر می‌یابد. چرا که در کنار تغییر ماهیت شهرها، جوامع شهری و ساختارهای سیاسی تغییر یافته‌اند و از مکان‌هایی در سنت‌ها و روال‌های خاص اجتماعی گنجانده شده به فضاهای غیرشخصی و تولیدشده توسط ملاحظات اقتصادی، سیاسی و مدیریتی تحول یافته‌اند. باز بودن این پرسش که چه کسی می‌تواند فضای عمومی را اشغال کرده و در نتیجه معنا و تصویری از شهر ارائه دهد؛ منجر به شکل‌گیری فضاهای منفعل و بی‌تأثیر بر زندگی شهری

بایستی با توجه کافی به ماهیت کالبدی-معنایی و جوهره اجتماعی و پویانده شهر صورت پذیرفته و رویکردها نسبت به فضای عمومی به‌عنوان محمل شکل‌گیری شهروندی و زندگی شهری، به دور از رویکردهای بخشی‌نگر و تک‌ساحتی باشد.

از سوی مدیریت شهری، فرایندهایی فراگیر و همه‌شمول را برای ایجاد مکانی مشترک با ماهیت ازپیش تعیین نشده و قابل‌دسترسی برای آحاد مختلف جامعه می‌طلبد. این در حالی است که درپیش‌گرفتن رویکرد اجتماعی و گردشگری به حیات اجتماعی و مدنی ساکنان در حوزه عمومی شهر

فهرست منابع

- McFarlane, C. (2011). Assemblage and Critical Urbanism. *City*, 15(2), 204-224.
- Merry, S. (2001). Spatial Governmentality and the New Urban Social Order. *American Anthropologist*, 103(1), 36-45.
- Myers, G. A. (1996). Naming and placing the other: Power and the urban landscape in Zanzibar. *Tijdschrift Voor Economische en Sociale Geografie*, 87(3), 237-246.
- Orum, A.M. & Neal, Z.P. (eds.) (2009). *Common ground?: readings and reflections on public space*. New York, NY: Routledge.
- Zukin, S. (1993). *Landscapes of power: from Detroit to Disney World*. Berkeley: Univ. Calif. Press.
- ابرقویی‌فرد، حمیده؛ منصور، سیدامیر و مطلبی، قاسم. (۱۴۰۱). مروری روایی بر نظریه‌های مرتبط با مفهوم فضای عمومی در شهر. *باغ نظر*، ۱۹(۱۶)، ۸۵-۱۰۲. doi: 10.22034/bagh.2022.376257.5305
- Amin, A. & Thrift, N. (2002). *Cities: Reimagining the Urban*. Cambridge, UK: Polity Press.
- Farías, I. (2011). The politics of urban assemblages. *City*, 15(3-4), 365-374.
- Foucault, M. (2007). *The security, Territory, Population: Lectures at the Collège De France, 1977- 1978*. New York: Palgrave.
- Harvey, D. (1991). Money, time, space, and the city. In *Consciousness and the Urban Experience*. Oxford: Basil Blackwell, pp. 1-35.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ابرقویی‌فرد، حمیده. (۱۴۰۲). مقصد گردشگری و پانوق اجتماعی یا ویتترین نمایش قدرت و ایدئولوژی؟ ارزیابی طرح بازسازی میدان ولیعصر (عج) در شهر تهران. *گردشگری فرهنگ*، ۴(۱۲)، ۶۴-۶۷.



DOI: 10.22034/TOC.2023.394045.1117

URL: http://www.toc-sj.com/article_170346.html